



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۱، شماره ۳

تحلیل وضعیت صنایع روستایی قبل و بعد از انقلاب اسلامی

حنا درویشی

گروه جغرافیای انسانی گرایش جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران،

ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

چکیده:

هر کشوری با عنایت به ویژگی های جغرافیایی و نیز استراتژی توسعه صنعتی خود تعریفی از صنایع روستایی ارائه داده است. به طور کلی صنایع روستایی به صناعی گفته می شود که در نواحی روستایی یا مراکز روستایی مستقر هستند و عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می کنند و پیوندهای بازاری آنها از نظر جغرافیایی محدود است. صنایع روستایی را می توان ترکیبی از صنایع دستی، صنایع تبدیلی، و صنایع خدمات فنی متکی بر مواد اولیه و کشاورزی معرفی نمود، صنایع روستایی، مناسب ترین بخش اشتغال زایی غیر زراعی بوده که نقش بسیار زیادی در بالابردن درآمد روستائیان داشته و به تبع آن از مهاجرت روستائیان خاصه جوانان می کاهد. چرا که این صنایع به تکنولوژی پایین، سرمایه کم و نیروی کار روستائیان نیازمند است. تجربیات توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان در چند دهه گذشته نشان می دهند که توسعه روستایی صرفاً با تزریق سرمایه و فناوری محقق نمی شود و عوامل زیادی در این زمینه ایفا نقش می کنند. تحقیق حاضر به روش کتابخانه ای - اسنادی بوده و هدف رشد صنایع روستایی در روستاها می باشد.

واژگان کلیدی: صنایع روستایی، صنایع دستی، روستا، توسعه روستایی

مقدمه

بدون شک صنایع ابتدایی - خانگی در هر اجتماع انسانی اولین فعالیت صنعتی است که توسعه می یابد با این که در چهار قرن و اندی قبل تمام فعالیت های صنعتی مردم ساکن کره خاکی از این نوع فعالیتها بود، باز امروزه دسته ای از انسانهای ابتدایی را می توان مشاهده کرد که هنوز فعالیت صنعتی آنها از محدوده این نوع صنایع خارج نشده است (قره نژاد، ۱۳۷۵: ۲۲). ادامه مهاجرت به شهرها، باعث شد تا در کشورهای در حال توسعه، سیاست های جدیدی را با هدف رشد صنایع روستایی به کار گیرند این تغییر سیاست صنعتی از میانه دهه ۱۹۶۰ و با توجه بیشتر به واحدهای کوچک صنایع روستایی آغاز شد و هدف این کشورها ایجاد فرصتهای شغلی در بخشهای روستایی و افزایش درآمد روستاییان شاغل در این بخش به منظور مقابله با فقر بود (خزائی قوژدی، ۱۳۷۵: ۱۰۶ و ۱۰۷). توزیع جمعیت بر حسب گروه های سنی در مناطق روستایی کشور گویای جوانی بافت جمعیت در روستاهاست که از جمله مسایل ناشی از آن یکی سنگینی بار تکفل و دیگری عدم تعادل روز افزون میان عرضه و تقاضای نیروی کار و در نتیجه دورنمایی تشدید بیکاری روستایی در آینده است، محدودیت بخش کشاورزی در جذب نیروی کار، این واقعیت را نشان می دهد که در آینده افزایش اشتغال در نواحی روستایی، بیشتر در گرو توسعه بخش های صنعت و خدمات است (هودر، ۱۳۸۵: ۲۰۹). از این رو می توان توسعه صنایع روستایی را از گزینه هایی دانست که می تواند منجر به ایجاد تحول در نظام فضایی روستاها شود، زیرا صنایع روستایی از یک سو در ایجاد اشتغال مفید و موثر در نواحی روستایی و از سوی دیگر به دلیل پیوند تنگاتنگ با بخش کشاورزی و خدمات نه تنها نقش بسزایی در توسعه روستایی در مقیاس محلی دارند، بلکه در مقیاس کلان و ملی نیز می توانند سهم قابل قبولی را نصیب نواحی روستایی ساخته و بدین ترتیب در ایفای نقش موثر روستا در فرآیند توسعه ملی نیز موثر و سودمند باشند (حاجی نژاد، ۱۳۸۵: ۲۰). تجربیات توسعه روستایی در کشورهای مختلف جهان در چند دهه گذشته نشان می دهند که توسعه روستایی صرفاً با تزریق سرمایه و فناوری محقق نمی شود و عوامل زیادی در این زمینه ایفا نقش می کنند. یکی از عوامل که امروزه به عنوان راهکار اساسی در توسعه روستایی معرفی می شود توجه به رونق صنایع دستی در میان روستاییان است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴).

تعاریف صنایع روستایی:

تاکنون تعاریف متعددی از صنایع روستایی ارائه شده که بعضاً دارای زمینه های مشترکی نیز می باشند، اما به نظر می رسد هر کشوری با عنایت به ویژگی های جغرافیایی و نیز استراتژی توسعه صنعتی خود تعریفی از صنایع روستایی ارائه داده است. در ساده ترین تعریف از صنایع روستایی میزان کاربری و سرمایه بری مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین گروهی با تأکید بر کوچک مقیاس بودن صنایع روستایی معتقدند، صنایع کوچک روستایی

آن دسته از صنایعی هستند که بدون وابسته بودن به فن آوری پیچیده در ارتباط با امکانات و قابلیت های منطقه ای با به کارگیری نیروهای بومی و محلی و با دادن آموزش ساده و مناسب امکان رشد و توسعه دارند (اسدی، ۱۳۶۵:۱). صنایع روستایی به صنایعی گفته می شود که در نواحی روستایی یا مراکز روستایی مستقر هستند و عمدتاً از نیروی کار روستایی استفاده می کنند. به طور کلی، پیوندهای بازاری آنها از نظر جغرافیایی محدود است؛ یا به بیانی، این صنایع بیشتر مواد خام یا تولیدات محلی را به مصرف می رسانند و تولیدات آنها به بازارهای محلی عرضه می شود، اما گاه ممکن است این صنایع تولیدات خود را به بازارهای ملی و بین المللی عرضه کنند (خزایی قوژدی، ۱۳۷۶:۱۰۲). مرکز توسعه منطقه ای سازمان ملل متحد در تعریف صنایع روستایی گفته است: تمام صنایعی که می توانند در مراکز روستایی و روستا- شهری توسعه یابند می بایست به عنوان عناصر صنایع روستایی محسوب شوند، به شرط آنکه بتوانند وسیله ای برای صنعتی شدن روستا باشند (میسرا، ۱۳۶۶:۸۱). در حال حاضر، به کلیه فعالیت های تولیدی صنعتی که با استفاده از توان های محلی و ناحیه ای در محیط روستا استقرار می یابند، صنایع روستایی گفته می شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲:۱۵۴). در برخی از منابع برای تعریف صنایع روستایی از مجموعه چند معیار اقتصادی و آماری استفاده شده است "استوری" بر این اساس صنایع روستایی را به صورت زیر تعریف می کند: ۱. صنایع روستایی دارای سهم نسبتاً کوچکی در بازار می باشد؛ ۲. آنها توسط یک یا دو نفر به صورت انفرادی اداره می شوند و فاقد ساختار مدیریتی رسمی می باشند؛ ۳. صنایع روستایی، واحدهای مستقلی اند و وابستگی زیادی به واحدها و بنگاه های بزرگ ندارند. (Story, P.6.1995).

مزایای صنایع روستایی:

- صنایع روستایی باعث جلوگیری از ضایعات فراوان می گردد. وجود صنایع روستایی در این زمینه می تواند از ضایعات محصولات جلوگیری نموده و باعث درآمد بیشتری برای فرد روستایی می شود (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۱-) کاهش انگیزه مهاجرت: مهمترین عامل گرایش روستاییان به مهاجرت را می توان وجود بیکاری و کمی فرصت های جدید شغلی دانست که باعث می شود این قشر درآمد کافی برای گذران زندگی نداشته باشند. در این میان توسعه فعالیت های غیر کشاورزی می تواند با فراهم کردن زمینه های اشتغال جدید، روستاییان را از اساسی ترین لوازم زندگی یعنی درآمد کافی باری پاسخگویی به نیازهایشان برخوردار نماید (Ghadha, G, 1993, 286-295). - صنایع روستایی وضعیت کل درآمد خانوار روستایی بهبود می بخشد و باعث پایداری اقتصادی خانوار می گردد. این درآمدها اغلب با متنوع بودن منابع درآمدی خانواده، ریسک اقتصادی زارعان را کاهش می دهد (Parminter, I, 2000). - روایح صنایع روستایی در روستاها زمینه های جدیدی از کار و آشنایی بیشتر روستاییان را با دیگر عرصه های فعالیت های اقتصادی ایجاد می کند که این امر باعث افزایش سطح مهارت ها در مناطق روستایی می گردد (شهبازی، ۱۳۷۹). - یادگیری راحت و آسان فنون در صنایع روستایی چشم انداز بسیار گسترده ای را در ارتقای مهارت ها از طریق آموزش تجربی ایجاد می

کند. ماهیت صنایع نوین با توان موجود (انسانی، فنی، سرمایه ای) کشور ما انطباق ندارند، در حالی که صنایع روستایی انطباق دارند

- به دلیل دوره برگشت سریع سرمایه و سوددهی زودتر، جذابیت زیادی در این صنایع وجود دارد.

- در این صنایع، زمینه های بسیار زیادی برای نوآوری و کار آفرینی وجود دارد.

دیگر مزایای صنایع روستایی عبارتند از: فراهم آوردن فرصت اشتغال غیر کشاورزی برای روستاییان بیکار و نیمه کار، تقویت پایه های اقتصاد روستایی از طریق افزایش درآمد سرانه روستاییان و در نتیجه کاهش فقر، تأمین نیازهای اساسی سایر بخش ها و توسعه کشاورزی، کاهش نابرابری منطقه ای از طریق توزیع بهتر درآمد و بسط عدالت اجتماعی نام برد.

ویژگی های صنایع روستایی

صنایع روستایی باید توان جذب و تبدیل محصولات محدود و پراکنده کشاورزی، دامی و مواد معدنی در مناطق روستایی و دورافتاده و تبدیل آنها به صنایع خوراکی بزرگ را داشته باشند (بابایی و همکاران ۱۳۸۰: ۱۱۴). صنایع روستایی باید قادر به تأمین و تولید اکثر قطعات و کالاهای نیمه ساخته مورد نیاز صنایع بزرگ داخلی و خارجی باشند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۲۲۶). صنایع روستایی باید بستر مناسبی برای پیوند بخش کشاورزی و صنعت ایجاد کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۱۵۶). محصولاتی تولید کند که تماماً و یا قسمتی از آندر محل و یا ناحیه تولید مصرف گردد (مهدوی، ۱۳۸۳: ۱۹۷). این قبیل صنایع سرمایه گذاری اندک و ابعاد کوچک تر و نیروی کار کمتری برای راه اندازی نیاز دارند (دربان آستانه، ۱۳۸۳: ۳۳). با شرایط جغرافیایی هر منطقه سازگاری داشته باشند (خالدی، ۱۳۸۵: ۲۶۰).

طبقه بندی صنایع روستایی:

طبقه بندی صنایع روستایی بر اساس ملاک های متفاوتی صورت می گیرد. این ملاک ها در بعضی کشورها مشترک و در بعضی دیگر متفاوت است. علاوه بر این، در موارد مختلف حجم و اندازه معینی برای طبقه بندی وجود ندارد. مثلاً در طبقه بندی که ملاک سرمایه را مد نظر قرار می دهد، یک میلیون ریال را ملاک صنایع متوسط قرار می داند، در صورتی در کشور دیگر ۱۰۰۰ ریال، ملاک صنایع متوسط است. طبقه بندی دیگری از صنایع صورت گرفته است که با وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران بیشتر هماهنگی دارد و آن عبارت است از:

۱. صنایع دستی،
۲. صنایع تبدیلی،
۳. صنایع خدمات فنی و صنعتی روستا (صاحبی، ۱۳۷۴: ۴۱).

به مجموعه ای از هنر و صنعت اطلاق می شود که به طور عمده با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام قسمتی

از مراحل اساسی تولید به کمک دست و ابزار دستی ساخته می شود که در هر واحد از آن ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعت گر سازنده به نحوی تجلی یافته و همین عامل وجه تمایز این گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه ای است. این صنایع که به صنایع دستی خانگی و صنایع کارگاهی تقسیم می شود، نیاز به تکنولوژی پیشرفته و پیچیده ندارد و متکی به تخصص های بومی و سنتی است. این موضوع، استقلال و خودکفایی اقتصادی این نوع صنایع را نسبت به سایر صنایع روستایی، بیشتر نشان می دهد. علاوه بر این صنایع دستی دارای ویژگی هنری و مصرفی به طور توأمان است. این صنعت، بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولید کننده روستایی را در درون خود جای داده است. استفاده از دانش بومی و محلی در این صنعت، نشانگر اصالت این صنعت در روستا است که ریشه در تاریخ اجتماعی و فرهنگی این جوامع دارد. صنایع دستی ایران را از جهات مختلفی می توان طبقه بندی کرد ولی آنجا که روش و تکنیک تولید و فرآورده های دستی، یکی از مهم ترین وجوه تمایز این صنعت می باشد

صنایع تبدیلی و تکمیلی:

این صنایع به صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی و دامپروری تقسیم می شود. در واقع محصول هر یک از بخش های کشاورزی و دامپروری به عنوان مواد اولیه این صنعت به کار برده می شود. صنایع مربوط به قند، شکر، روغن کشتی، کمپوت سازی، رب گوجه فرنگی، پنیرسازی، چرم سازی، نساجی و صنایع چوب جزو این گروه از صنایع روستایی است. هم چنین با رشد هر کدام از این صنایع، صنایع روستایی دیگری برای تکمیل محصول نهایی به بازار به وجود می آید، مانند صنایع نگهداری، صنایع انبارداری و صنایع دسته بندی در کنار صنایع تبدیلی روستایی، صنایعی با عنوان صنایع تولیدی زنجیره ای وجود دارد که وظیفه اش انتقال محصولات نیمه تمام به مناطق شهری، به منظور تکمیل مراحل مواد می باشد. در این صنایع، از تکنولوژی ساده کاربر و کم سرمایه استفاده می شود. صنایع تولیدی زنجیره ای روستایی در مناطق توسعه نیافته امکان گسترش فعالیت های اقتصادی را به ارمغان می آورد (صاحبی، ۱۳۷۴: ۲۱۷).

صنایع خدمات فنی و صنعتی روستا:

این صنایع اغلب با عنوان صنایع کوچک روستایی یاد می شود که حالت گارگاهی دارد و علاوه بر شهرها، قابل استقرار در روستاها نیز می باشد. در مقایسه با صنایع سبک، به نیروی انسانی کمتر و تجهیزات و وسایل محدودتری نیاز دارد و محتاج سرمایه گذاری زیاد نیست. در این رشته از صنعت، بخشی از کار تولید، توسط ماشین و قسمتی دیگر توسط نیروی بدنی کارگر انجام می شود و در عین حال، دانش فنی روستایی عامل اصلی رشد این صنایع می باشد. جوشکاری و آهنگری و... نمونه هایی از این صنایع است (صاحبی، ۱۳۷۴: ۴۶).

مبانی نظری:

با توجه به اهمیت نظریه‌ها و دیدگاه‌های موجود در زمینه صنایع روستایی و تاثیر آن در توسعه روستایی، به ادبیات نظری پژوهش می‌پردازیم.

نظریه تامبوتان در زمینه اهمیت صنعتی شدن روستاها، نظریه اقتصاد جمعی آرتور لوییس در زمینه اهمیت صنایع کوچک روستایی در چارچوب نظری این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند، تامبوتان بر این اعتقادات که دو عامل می‌تواند به عنوان نقاط قوت و بخش صنعت در توسعه روستایی به شمار رود (افتخاری، ۱۳۸۱: ۶).
۱. محدودیت ظرفیت بخش کشاورزی (عامل فشار) ۲. وجود فرصت‌های شغلی مناسب در بخش غیر کشاورزی (عامل کنش)،

وی بر این اعتقاد است که یک عملکرد متقابل پیچیده بین عرضه و تقاضای نیروی کار وجود دارد. نیروی کار روستایی به دلیل فرصت‌های مناسب در بخش‌های غیر کشاورزی که می‌تواند در قالب صنایع روستایی ایجاد گردد، جذب یک واحد تولیدی می‌شود. در چنین حالتی صنعت به عنوان یک انتخاب شغلی جایگزین مورد توجه مازاد نیروی انسانی روستا قرار می‌گیرد. از سوی دیگر ممکن است نیروی کار به دلیل عدم جوابگویی کار بخش کشاورزی به نیازهای زندگی، به سمت صنایع تبدیلی و تکمیلی کشیده شود. در چنین حالتی صنایع روستایی به عنوان یک انتخاب شغلی مکمل مورد استفاده قرار می‌گیرند. با اشتغال در بخش صنعت روستایی و افزایش درآمد، روستاییان قادر خواهند بود تا کالاهای اساسی تولیدی توسط بخش صنعت روستا را خریداری کنند. در نتیجه یک دور تقاضا، اشتغال و ایجاد درآمد به وجود می‌آید.

آرتور لوییس از طرفداران استفاده از صنایع کاربر در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. وی در «نظر به اقتصاد جمعی» خود بیان می‌کند که استفاده بیشتر از نیروی کار با حجم مشخصی از سرمایه فیزیکی منجر به افزایش تولید و اشتغال زایی می‌شود. به گفته او صنعت کوچک اجازه می‌دهد که در مصرف سرمایه صرفه جویی شود. در کشورهایی که توسعه کافی نیافته‌اند، سرمایه بسیار کم و نادر است و در دوره‌های اولیه اقتصادی، چنانچه این سرمایه صرف امور حمل و نقل، سرویس‌های اولیه همگانی، امور آبیاری، وسایل کشاورزی و یا انواع صنایع تبدیلی که در آنها امتیازات فراوان و قابل توجهی وجود دارد گردد، می‌توان از آنها منافع بی‌شماری کسب کرد. ولی در صورتی که این سرمایه با توسل به شیوه‌های نو و پرتنوع در صنایع کوچک به کار گرفته می‌شود، می‌تواند بسیار موثرتر به شمار می‌رود (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۵۰: ۲۹). از دیدگاه مینا (۲۰۰۳) در شرایط کنونی بخش کشاورزی به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی مناسبی برای رفع نیازهای معیشتی مردم روستایی باشد بلکه ایجاد اشتغال در بخش صنعت برای جوانان روستایی یکی از ضرورت‌های

¹ Tombothan

² Arthur Louis breslich

³ Meena

عصر حاضر است؛ با ترویج صنایع کوچک مقیاس در روستاها می توان مشکل فقر و بیکاری را کنار زد. این درحالی است که این صنایع علاوه بر این که از اشتغال زایی بالایی برخوردارند، به سرمایه گذاری کمتری نیاز دارند. به طور کلی گسترش انواع صنعت در سکونتگاه های روستایی از طریق رونق در اقتصاد روستایی و فقر زدایی، زمینه سرمایه گذاری در توسعه روستایی را فراهم می سازد

دو دیدگاه مهم توسعه صنایع روستایی و صنعتی کردن روستا وجود دارد: دیدگاه اول این که چه نوع و چگونه صنایع روستا باید مستقر گردند؟ و تأثیرات این صنایع در روستاها چگونه است؟

درهمین مفهوم ۳ عنصر اصلی در توسعه صنایع روستایی کشورهای پیشرفته عمل می کنند؛

۱. تاسیس کارخانه ای بزرگ به عنوان مکمل فرآورده های کشاورزی در مناطق روستایی همچون کارخانه نیشکر، کمپوت سازی،

۲. گسترش واحدهای تولیدی در مقیاس کوچک،

۳. حمایت از صنایع دستی.

دیدگاه دوم: به توسعه صنایع روستایی به عنوان یک جریان صنعتی نگاه می کند، صنایع روستایی به عنوان یک زیرمجموعه جریان توسعه اقتصادی می باشد و نیز در توسعه و گسترش آن از تکنولوژی داخلی استفاده می گردد(خزاعی قوژدی، ۱۳۷۶:۱۰۷).

صنایع روستایی می تواند دارای پیامدهای مثبت و منفی متعددی در مقیاس های مختلف جغرافیایی باشد که ارزیابی و شناخت آن برای برنامه ریزی های بعدی در توسعه صنایع روستایی مفید می باشد. لذا شناخت و ارزیابی این پیامدها در ابعاد مختلف فضایی می تواند از یکسو گویای میزان اثر بخشی این برنامه ها و طرح ها باشد و ، جایگاه عملکردی این گونه فعالیت ها را در راستای اهداف توسعه محلی و منطقه ای نشان دهد و از سوی دیگر گامی باشد در جهت برنامه ریزی و انتظام فضایی نواحی که این فعالیت ها در آنجا استقرار یافته اند و به نوعی از آن ها بهره مند می شوند (Berdegue et al, 2010:412).

پیشینه تحقیق:

در سال ۱۳۷۸ پژوهشی با عنوان (صنایع روستایی، عاملی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی، نمونه تجربی روستاهای شهر بومهن) توسط اسماعیل نصیری بررسی گردید نتایج نشان داد که راهبرد ورود صنایع به نواحی روستایی در حکم راهکاری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه تلقی می شود. در این تحقیق، به منظور ارزیابی تأثیر نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، ده روستا

(شامل پنج روستای دارای صنایع و پنج روستای فاقد صنایع) واقع در پیرامون شهر بومهن در ۴۰ کیلومتری کلان شهر تهران به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می دهد که در شاخص های برگزیده، شامل خوراک، پوشاک، کیفیت مسکن، رضایت و ثبات شغلی، عدم مهاجرت، انگیزه ماندگاری، دو جامعه ی نمونه از روستاهای مورد مطالعه تفاوت معنی دار دارند، سجادی قیداری و همکاران (۱۳۹۳) ارزیابی و تبیین کارکرد صنایع روستایی در توسعه دهستان صائین قلعه شهرستان ابهر، یافته های تحقیق نشان می دهد نقش نسبی استقرار صنایع در متنوع سازی و ایجاد اشتغال در زمینه های اقتصادی می باشد. از طرفی دیگر حضور استقرار صنایع در روستا و توسعه کارخانه های کوچک در آن منجر به افزایش تخریب منابع طبیعی و فرسایش شدید اراضی، بهره برداری بی رویه از منابع آبهای زیرزمینی و منابع محلی و آلودگی هوا در محدوده مورد مطالعه شده است. و کمترین تأثیرگذاری مستقیم در بعد کالبدی داشته است. تقدیسی (۱۳۸۵) با بررسی صنایع کارگاهی در توسعه روستایی شهرستان شهرضا، نشان می دهد امنیت شغلی، ماندگاری در روستا، مشارکت روستایی، مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی باعث افزایش زمینه های اشتغال و درآمد و جاذب نیروی کار مازاد بر فعالیت های کشاورزی در مناطق روستایی می شود، محمود مرادی و مطیعی لنگرودی (۱۳۸۴) با بررسی نقش صنایع در فرایندسازی و توسعه روستایی بخش مرکزی بیرجند نشان می دهد تعدیل مشکلات و تامین اشتغال و درآمد برای روستائیان به عنوان تولید و تمرکز زدایی از شهرهای بزرگ، کاهش مهاجرت روستائیان به شهر، ایجاد تغییرات در ساختار کشاورزی، دامداری و شرایط اجتماعی و اقتصادی و تنوع شغلی در نواحی روستایی و پیرامون داشته است

تاریخچه صنایع روستایی در ایران:

آغاز دوران صنعت گرایی در ایران در دهه ۱۳۴۰ همراه با تمرکزگرائی شدید فعالیت ها و تراکم سرمایه در شهرهای بزرگ بوده است. استقرار صنایع در داخل و حواشی تنها چند شهر بزرگ و فراهم آمدن امکانات اشتغال در این مناطق با این هدف تعقیب می شد که نیروی کار مازاد کشاورزی در خدمت توسعه صنایع شهری درآید. براین اساس سیل مهاجرت روستائیان به شهرها آغاز گردید به شرحی که اینگونه مهاجرت ها منجر به پیدایش عدم تعادل شگرفی میان مناطق عمده شهری و مراکز کوچکتر جمعیتی شد. یک مقایسه کوچک این عدم تعادل را به خوبی آشکار می سازد، به موجب سرشماری سال ۱۳۶۵ اولین شهر ایران یعنی تهران دارای جمعیتی بیش از ۶ میلیون نفر بوده، درمقایسه، دومین شهر یعنی مشهد دارای جمعیتی برابر ۱،۵ میلیون نفر بوده و مقایسه جمعیت مشهد با دومین شهر استان خراسان یعنی سبزوار با جمعیت ۱۳۰ هزار نفر نشانگر این عدم تعادل شدید می باشد. این عدم تعادل تا آنجا پیش رفته که بر اساس نتایج سرشماری سال ۷۰ تعداد بیست شهر کشور که دارای بیش از یکصد هزار نفر جمعیت بوده اند مجموعاً یک سوم جمعیت کل کشور را در خود جای داده اند. مشکلات عظیم ناشی از این تمرکزگرائی و شهرگرائی بر همگان آشکار است. آنچه موجب این هجوم عظیم

روستائیان به شهرها می باشد فراهم آمدن امکانات اشتغال در شهرها و عدم وجود آن در مناطق روستائی بوده است. به گفته تودارو اقتصاددان معروف:

"در کشورهای در حال توسعه، با ایجاد یک فرصت شغلی در شهر سه نفر به مناطق شهری جذب می شوند" این گفتار آنگاه در کشور ما مصداق می یابد که مقایسه آمارهای جمعیتی سالهای ۴۵،۶۵ به این نتیجه می رسد که در طی بیست سال جمعیت فعال در مناطق شهری ۵،۱ درصد در مناطق روستائی تنها ۷ درصد رشد داشته است.

اینک سوال این است با توجه به آثار منفی عظیم اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده بر اثر این عدم تعادل در پراکندگی فضائی جمعیت چه اقدامی می تواند موثر باشد؟

طبیعی است که عمده ترین فاکتوری که امروزه می تواند خلاء ناشی از کاهش اشتغال در دو بخش کشاورزی و دامپروری را پر نماید صنعت است. لیکن نهاده های صنعتی تنها از دید کمی اهمیت ندارند. آنچه مهم است انتخاب نوع و چگونگی صنعتی است که در مناطق روستائی احداث می شود. آنچه مسلم است این صنایع باید از دیدگاه مکان گزینی قابلیت استقرار در روستا را داشته باشند و مواد اولیه و نیروی انسانی روستا را بکار بگیرند و در حالت ایده آل بازده آنها و درآمد حاصله در خود روستا سرمایه گذاری کرد. تجربیات بدست آمده در هندوستان و چین ثابت کرده است که اینگونه صنایع نباید مغایرتی شدید و سریع با فرهنگ جامعه روستائیان نشان دهند. باید بتوانند تولید برخی کالاهای مصرفی روزمره و کالاهائی با تکنولوژی ساده را تسریع نموده امکان اشتغال را افزایش داده باعث رشد استعدادها و علاقه کاری شوند. براین اساس صنایع روستائی می توانند تلفیقی از صنایع کوچک منهای تکنولوژی پیشرفته آنها و صنایع دستی باشند که با توجه به امکانات و نیازهای هر منطقه احداث می شوند. استقرار این صنایع باید به ایجاد تعادلهاى منطقه ای و توزیع متعادل فعالیت های صنعتی در سطح کشور کمک نماید و در بسیاری موارد منجر به خودتکائی صنعتی شود.

به این ترتیب توسعه صنایع روستائی به عنوان روشی برای رسیدن به اهداف توسعه مورد توجه برنامه ریزان کشور قرار گرفته و تصور اصلی بر این اصل بنیانگذاری شده است که ایجاد صنایع در روستاها به اقتصاد غیرفعال مناطق روستائی حالتی پویا داده و جامعه روستائی را متوازن و هماهنگ با جامعه شهری و به عنوان بخشی از سلولهای اصلی کالبد اقتصادی کشور فعال خواهد نمود. (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۶۵).

⁴ Michael Todarrow

صنایع روستایی در ایران قبل از انقلاب:

در ایران سابقه طرح موضوع توسعه صنعت در نواحی روستایی در برنامه عمرانی و توسعه به برنامه اول عمرانی (۱۳۲۷-۱۳۳۴) باز می‌گردد. در این برنامه با توجه به نبود فصل عمرانی روستایی، یکی از اهداف شانزده گانه «فصل کشاورزی و آبیاری»، «تشویق و توسعه صنایع روستایی» بود، هرچند که در این دوره اقدام عملی خاصی در طول برنامه به عمل نیامد. در برنامه دوم و سوم عمرانی وحتىی در برنامه چهارم و پنجم عمران روستایی فصل مستقلی را در نظام برنامه‌ها به خود اختصاص داد، برای توسعه صنعت در نواحی روستایی اقدامی نگردید.

در برنامه عمرانی (۱۳۶۱-۱۳۵۷)، یکی از هدف‌های پنج‌گانه عمران روستایی «متنوع ساختن فعالیت‌ها در جامعه روستایی از طریق ایجاد اشتغال در بخش صنعت و خدمات بود». در قسمت خط مشی‌های اساسی عمران روستایی این برنامه و در راستای هدف ذکر شده، یکی از خط‌مشی‌ها «افزایش مهارت و بالابردن سطح اشتغال و متنوع ساختن فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی بر مبنای توان منطقه و با استقرار فعالیت‌های وابسته به بخش کشاورزی و توسعه فعالیت‌های صنعتی و خدمات از جمله گردشگری در محیط روستایی به منظور ایجاد کار مولد و جلوگیری از کم‌کاری و بیکاری پنهان، با اولویت خاص برای ایجاد صنایع روستایی و تبدیلی و دستی و ساختمانی» بود.

در این برنامه توسعه صنایع روستایی در برنامه‌های مشخص عمران روستایی نیز پیگیری گردید. یکی از تاسیسات زیربنایی که برای مرکز دهستان یا روستا-شهر در این برنامه ارائه شد «تدارک زمین و خدمات لازم برای استقرار صنایع تبدیلی و روستایی و کارگاه‌های صنایع کوچک و دستی» بود. البته به علت شرایط بعد از انقلاب و عدم اجرای برنامه ششم، در زمینه صنایع روستایی اقدامی به عمل نیامد (رضوانی، ۱۳۹۰، ۹۵).

صنایع روستایی در ایران بعد از انقلاب اسلامی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جهاد سازندگی، یکی از وظایف این وزارتخانه توسعه و تقویت صنایع روستایی بود. در طول سال‌های (۱۳۶۷-۱۳۵۸)، به رغم عدم اجرای برنامه‌های توسعه پنج‌ساله در کشور، جهادسازندگی با صدور کارت شناسایی برای کارگاه‌ها و صنایع کوچک موجود در روستاها و هم‌چنین صدور موافقت اصولی برای ایجاد صنایع روستایی، در راستای اهداف کلی برنامه وجود نداشت یکی از سیاست‌های کلی برنامه «افزایش نسبی درآمد روستائیان از طریق ایجاد و تنوع فرصت‌های اشتغال و تامین اشتغال غیرکشاورزی در محیط روستایی» بود که نوعی جهت‌گیری برای توسعه صنایع روستایی داشت. با این حال به رغم نبودن فقدان اهداف و سیاست‌های مشخص برای صنایع روستایی در این برنامه، سیاست توسعه و تقویت صنایع روستایی از طریق ایجاد «نواحی صنعتی» روستایی در مراکز روستایی بوسیله وزارت جهاد سازندگی

دنبال شد و این وزارت در طول برنامه اول توسعه، اقدامات زیربنایی لازم را برای ایجاد ۳۳ ناحیه صنعتی روستایی در کشور انجام داد، که از طریق صدور مجوز، صنایعی نیز در این نواحی تاسیس و بهره برداری شد. در برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)، راهبرد صنعتی شدن نواحی روستایی به طور جدی تر دنبال شد. «ارتقای کیفیت اشتغال زایی صنایع کوچک و دستی در محیط های روستایی» یکی از اهداف کیفی فصل عمران روستایی در این برنامه بود، که سیاست «تاکید بر توسعه صنعت در فضاها و مراکز روستایی از طریق نواحی صنعتی، استقرار کارگاه های صنایع روستایی، به ویژه صنایع وابسته به کشاورزی و منابع طبیعی و اعمال تسهیلات اعتباری، مالیاتی و تامین زیربناها» در راستای آن تدوین شد. یکی از برنامه های اجرایی عمران روستایی، برنامه ایجاد و توسعه صنایع روستایی بود که «تکمیل و راه اندازی ۳۳ ناحیه صنعتی نیمه تمام و ارتقای مهارت فنی صنعتگران روستایی ۳۴۰ هزار نفر در روز» از اهداف کمی آن بود. در قسمت اقدامات اجرایی برنامه نیز برای ایجاد و تقویت صنایع روستایی، اقداماتی پیش بینی گردید. در طی سال های ۷۳-۱۳۷۵ با اعتبار ۹۳۶۵ میلیون ریال برای ایجاد نواحی صنعتی روستایی جدید برنامه ریزی شد و تعداد نواحی صنعتی روستایی به ۱۷۷ ناحیه افزایش یافت.

در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۷۹) نیز در فصل توسعه و عمران روستایی یکی از راهکارهای اجرایی برنامه مربوط به صنایع روستایی است که در راستای سیاست های راهبردی و اجرایی تدوین شده و وزارت جهاد سازندگی موظف شد «به منظور فراهم آوردن زمینه های اشتغال و درآمد بیشتر روستائیان و حمایت و تشویق سرمایه گذاری و توسعه فعالیت های اشتغال زا بویژه در زمینه های کشاورزی و صنایع تبدیلی» اقدامات ذیل را انجام دهد.

۱. شناسایی مزیت های نسبی و امکان سنجی استقرار صنایع کشاورزی (تبدیلی، کشاورزی و دستی) در محیط روستایی با اولویت ایجاد اشتغال برای زنان و جوانان.

۲. ساماندهی صنایع دستی و فرش روستایی به منظور اصلاح شیوه های تولید و بازاریابی (داخلی و خارجی) و جلب مشارکت بخش خصوصی.

۳. ساماندهی و تجهیز نواحی صنعتی ایجاد شده و محدود کردن نواحی صنعتی جدید به طرح های سنجیده و مصوب قانونی.

جایگاه صنایع روستایی در اقتصاد کشور:

صنایع دستی و روستایی ایران با وجود شکوفایی، رونق و شهرت جهانی که در زمان های قدیم داشتند به یک باره در معرض تهاجم سرمایه و کالاهای خارجی و همواره متأثر از بی توجهی و ناتوانیهای دولتها بوده است و

ورود استعمار انگلیس و روسیه در قرن ۱۳ شمسی و ورود کالاهای کارخانه ای از غرب در جلوگیری از رشد صنایع روستایی ایران موثر بوده است (مافروخی، ۱۳۷۲: ۳۰ و ۳۱).

مرکز قطبهای صنعتی در شهرهای بزرگ مستقر شدند تا در مرحله بعدی به شهرهای کوچک و روستاها نیز گسترش یابند و سیاست آن به گونه ای بود که صناعی راه اندازی شود که جایگزین محصولات مصرفی وارداتی گردد. و در مرحله بعدی نیز صناعی که تأمین کننده نیازهای مربوط به مواد اولیه و نیازهای واسطه ای مصرفی باشد تا در مرحله نهایی با راه اندازی صنایع سرمایه ای امکان تولید ابزار و ماشین آلات فراهم گردد (خرزاعی قوژدی، همان: ص ۱۰۷). و به همین علت صنایع دستی و کارگاهی به صنایع شهری تغییر و تحول پیدا نکرد. طبق آمار سرشماری عمومی و نفوس مسکن در سال ۱۳۵۵، از جمع شاغلین بخش صنعت کشور که ۱۶۷۳۰۵۹ نفر بوده اند ۷۸۲۹۶۶ نفر در مناطق روستایی به کار مشغول بوده اند (۴۸٪/۸ درصد). توزیع شاغلین صنعتی در روستاهای کشور در سالهای بین (۱۳۵۵-۶۶) نشان می دهد که در سال ۱۳۵۵، ۷۸/۸٪ از اشتغال صنعتی مناطق روستایی مربوط به صنایع نساجی، پوشاک، چرم بوده که عمدتاً صنایع سنتی و دستی از قبیل قالی بافی و گلیم بافی است شاغلین صنایع غذایی فقط ۵۱/۴٪ از کل شاغلین صنعتی روستایی را تشکیل می دهند.

در سال ۱۳۵۵ شاغلین صنایع روستایی ۷۸۲۹۶۶ نفر و شاغلین صنایع روستایی در سال ۱۳۶۵، ۴۸۷۷۰۶ نفر می باشند. در سال ۱۳۶۵ سهم شاغلین صنایع مواد غذایی همچنان کم بوده و کمتر از ۱۰٪ باقی مانده است. سهم شاغلین روستایی در صنایع از ۴۶/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۳/۶٪ در سال ۱۳۶۵ کاهش پیدا کرده است.

طی برنامه اول، ۳۴ ناحیه صنعتی ایجاد شده و میزان اشتغال به آموزش ۲۸۹ هزار نفر در روز بوده است. برای این منظور ۱۳۳ میلیارد ریال صرف صنایع روستایی شده که بخشی از آن از طریق نظام بانکی و به صورت وام در اختیار صاحبان صنایع قرار گرفته است (خرزاعی قوژدی، همان: ص ۱۰۷). و در برنامه دوم پیش بینی شده که ۲۰۰ هزار نفر شغل ایجاد گردد که از این تعداد ۱۰۰ هزار نفر شغل در صنایع روستایی (طرح های صنعتی) و ۱۰۰ هزار شغل در صنایع دستی و فرش ۱۶۰ میلیارد ریال از اعتبارات عمرانی (۳/۳ میلیارد ریال از تسهیلات بانکی و یک میلیارد ریال از یارانه تسهیلات بانکی) استفاده خواهد شد.

پیش بینی شاغلین در صنایع روستایی در برنامه دوم

(واحد میلیارد در ریال-هزار نفر)

نوع طرح	تعداد شاغلان	اعتبارات عمرانی	تسهیلات بانکی	یارانه بانکی
فرش و صنایع دستی	۱۰۰	۵۰	۱۲۵۰	۱۴۰
طرح های صنعتی	۱۰۰	۱۱۰	۲۱۰۰	۸۱۷
جمع کل	۲۰۰	۱۶۰	۳۳۵۰	۹۵۷

منبع: برنامه پنج ساله دوم صنایع روستایی، معاونت عمرانی و صنایع روستایی، ۱۳۷۲ (همان، ص ۱۱۴).

جایگاه صنایع روستایی در سایر کشورها

در کشور هند صنایع روستایی و صنایع دستی از ابتدایی ترین مراحل تاریخ هند، از عناصر عمده فرهنگ و وحدت این سرزمین محسوب می گردد، رشد صنایع دستی از دورانی آغاز می گردد که جامعه هندوستان به صورت واحدهای خودکفایی و بی نیاز واردات مورد توجه قرار گرفت. صنایع هند در طول حکومت استعماری انگلیس به طور جدی راکد شدند. اگرچه در طول جنگ جهانی دوم واقعا مورد حمایت واقع شدند اما در زمان استقلال بود که در جهت توسعه صنعتی خط مشی مثبتی اتخاذ و به اجرا گذاشتند (رائو، ا.وی، ۱۳۶۶، ۱۱). بررسی وضعیت صنایع روستایی در سطح کشور توسط کمیته برنامه ریزی ملی که در سال ۱۹۸۳ توسط کنگره ملی تحت ریاست جواهر لعل نهرو تشکیل شده بود، صورت گرفت (همان، ص ۱۲). با شروع برنامه های توسعه اجتماعی در هندوستان، مرکز کارآموزی در سراسر کشور برای آموزش بیش از یک صد هزار کارگزار ترویجی آغاز به کار نمودند. گردانندگان اصلی تعاونی ها، زنان روستایی بودند، و از سه گروه مددکار ترویجی استفاده می گردید.

اول: زنان مروج کشاورزی که در هر منطقه هستند.

دوم: مأمورین زنان روستایی، سایر دستگاههای دولتی که در روستا فعالیت دارند.

سوم: زنان روستایی مسن (جهاد سازندگی، ۱۳۷۲: ۳۸۷).

در جمهوری خلق چین، صنایع روستایی نقش بارزی در اقتصاد کشور دارد و ۲۵ درصد از ارزش کل محصولات صنعتی چین را تشکیل می دهد. در حال حاضر، تولید بیش از ۸۰ درصد ابزارآلات کشاورزی، ۵۳ درصد از مصالح

ساختمانی، ۵۰ درصد پوشاک و کفش، ۴۳ درصد سولفات آهن، ۲۵ درصد منسوجات، ۳۰ درصد تولید ذغال سنگ، ۶۳ درصد تولید کود شیمیایی، ۵۰ درصد سیمان موردنیاز چین در کارخانه های مستقر در مناطق روستایی تولید می گردد (ابوالحسنی، ۱۳۷۲:۳۸۷). در فاصله ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۶ در مدت ۶ سال، شمار بنگاههای اقتصادی در مناطق روستایی ۲۱۴ برابر گردیده است و ارزش تولید ناخالص بنگاهها ۴ برابر شده و از تعداد ۵۶ هزار واحد به بیش از ۱۳ میلیون واحد افزایش پیدا کرده است (صنایع روستایی، ۱۳۶۴:۱۹).

در کشور چین صنایع روستایی را به دو بخش دستی و ماشینی و نیز هر یک آنها به دو بخش خانگی و کارگاهی تقسیم می کردند. یکی از صنایع پر رونق ممتاز چین، قالی بافی است در میان طرحها و نقوش قالی های چینی بعضاً نقوش و طرح های ایران (به ویژه قم) مشاهده می شود ولی طرح های اصیل و سنتی چین با ظرافت آن بر حاشیه و متن قالیها بافته شده و به صورت رقیب جدی فرش ایرانی در سطح بازارهای بین المللی قلمداد می شود.

در اندونزی هیچ تفاوتی بین موسسات کوچک و روستایی گذارده نشده است. در سال ۱۹۸۱، وزارت توسعه ملی و روستایی مالزی تأسیس گردید که وظیفه این وزارتخانه ارتقاء صنایع روستایی در خط سیاست دولت برای احیاء روستاهای سنتی به منظور تحدید مهاجرت به مناطق شهری است این وزارتخانه همچنین مسئول نظارت بر اجرای برنامه های صنعتی کردن روستایی است (اجزاء شکوهی، ۱۳۶۸: ۴۶ و ۴۷).

در بنگلادش سهم تولید صنایع روستایی در اشتغال غیر زراعی قابل توجه است و سهم تولید صنعتی در اشتغال غیر زراعی روستایی در حدود ۲۵-۴۵ درصد است. جدول زیر جایگاه صنایع روستایی در چند کشور را نشان می دهد:

کشور	سال	درصد نیروی کار روستایی در بخش غیر زراعی	درصد تولید صنعتی در بخش زراعی
بنگلادش	۱۹۸۴	۳۳/۵	۲۳
هند	۱۹۸۱	۱۹	۳۴/۲
پاکستان	۱۹۸۲-۱۹۸۳	۳۲/۳	۲۹/۱
مالزی	۱۹۸۰	۴۹/۳	۲۱/۳
تایلند	۱۹۸۳	۱۷	۳۱/۳

(قلی نیا، ۱۳۷۸: ۱۸)

نقش صنایع روستایی در توسعه کشاورزی:

شاید اولین سابقه کوشش برای ایجاد پیوند بین کشاورزی و صنعت به دیدگاه نیکیفوروف در دهه ۱۹۲۰ به شوری برمی گردد. این پیوند با مقیاس وسیع از دهه ۶۰ شدت گرفت و در دهه ۱۹۷۰ به اوج خود می رسد. صنعتی شدن کشاورزی و توسعه صنایع مرتبط نظیر صنایع تبدیلی به این فرایند کمک بسزایی نمود. ظهور تفکر تولید یکپارچه صنایع وابسته به کشاورزی پیامد پیوند بخش کشاورزی و صنعت بود، به طوریکه در ابتدای سال ۱۹۸۴ بیش از ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی از دارائیهای ثابت تولیدی و نیز شمار قابل توجهی از کارگران در روسیه، وابسته به صنایع کشاورزی بودند. دلایل عمده توجه به ارتباط بین بخش کشاورزی و صنعت در این کشور تابع عوامل زیر بوده است:

۱- حفظ توازن بین استفاده حاضر از منابع طبیعی و پتانسیل های آتی .

۲- حفظ جمعیت روستا و کاهش اختلاف میان مناطق شهری و روستایی

۳- ایجاد اشکال کارکردی- ساختاری مناسب از سکونت گاه های روستا-شهری با توسعه فعالیت های اقتصادی در جهت ایجاد تولید یکپارچه (Nikyfurov, L.V, 1984, 256).

بنابر نظر کارشناسان منابع روستایی، با جایگزینی حلقه های تکمیل کننده در اقتصاد روستایی و ملی به وظایف خود عمل می کنند. استقرار این صنایع در مناطق روستایی از یک طرف باعث بهبود مقدار و کیفیت محصولات کشاورزی تولیدی می شود و از طرف دیگر منافع حاصل از آن باعث بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی روستاییان می شود، به طور کلی صنایع روستایی به چند طریق می توانند باعث توسعه کشاورزی گردند: ۱- کاهش فشار جمعیت؛ ۲- تکمیل زنجیره تولید؛ ۳- بهبود صنایع نگهداری وابسته بندی؛ ۴- تولید و عرضه ماشین آلات و قطعات مورد نیاز؛ ۵- پشتیبانی و ارائه خدمات فنی (دربان آستانه، ۱۳۸۳، ۵۱-۵۴). با فعالیت صنایع روستایی از راه های گوناگون بخش کشاورزی در روستا تقویت می شود و این صنایع در جایی که کشاورزی کم رونق است، ابزاری محسوب می شود برای رونق گرفتن روستاها و بالا بردن سطح درآمد روستاییان و در جایی که کشاورزی رونق دارد و شغل اصلی روستاییان است، ایجاد صنایع روستایی می تواند تکمیل کننده فعالیت های کشاورزی و دامی باشد (شهبازی، ۱۳۷۹).

⁵ Nikyfuro

مسائل و مشکلات استقرار صنایع روستایی:

تنوع محصولات زراعی خانوار روستایی، تخصصی نبودن تولید، پایین بودن کیفیت و کمیت محصولات کشاورزی و دامی،

کمبود امکانات زیربنایی از جمله راهها، آب، برق، تلفن در مناطق روستایی،

بی توجهی تولیدکنندگان به امر آموزشی، افزایش کیفیت نوآوری و تخصصی در امر تولید محصول (دستگیر، ۱۳۶۵: ۱۰۴).

مشکل تأمین اعتبارات و وامها از نظر مقدار، زمان و نبود مکانیزم صحیح توزیع اعتبارات و ارزشیابی عملی آن، تعدد سازمانهای دست اندرکار، عدم هماهنگی این سازمان ها و اعمال سیاست های متضاد و موازی.

روشهای حمایت از صنایع روستایی

گسترش صنایع روستایی نیازمند توجه و حمایت و اعمال سیاست های تشویقی بخش، خصوصی و جمعی است. در این راستا دولت در موارد یل می تواند به صورت موثر عمل نماید:

مکانیابی صحیح و استقرار صنایع روستایی

بهره گیری از شیوه های مناسب آماده سازی و توسعه نواحی صنعتی و کاهش هزینه های تسهیل در امر و خدمات رسانی.

ارائه خدمات مشاوره ای و راهنمایی کارشناسی به سرمایه گذاران در ایجاد صنایع روستایی.

فراهم آوردن تسهیلات لازم جهت احداث واحدهای صنعتی و معافیت های مالیاتی (جنان صفت، ۱۳۶۱: ۸).

ایجاد نمایشگاههای فصلی و نمایندگی های دائمی برای عرضه محصولات و جمع آوری پیشنهادات مصرف کنندگان.

آموزش های مداوم و مستمر در ارتباط با سطح کیفی و دانش فنی.

تعیین جایگاه و نقش صنعت بیمه در ارائه خدمات به کارگران و کارکنان و بیمه محصولات.

حمایت مداوم از تولیدکنندگان.

اشاعه فرهنگ مصرف صنایع روستایی و تطبیق تولیدات با نیازهای جامعه.

تسهیل در امر صادرات تولیدات صنایع روستایی (همان، ص ۸).

نتیجه گیری:

صنایع روستایی را می توان ترکیبی از صنایع دستی، صنایع تبدیلی، و صنایع خدمات فنی متکی بر مواد اولیه و کشاورزی معرفی نمود، صنایع روستایی، مناسب ترین بخش اشتغال زایی غیر زراعی بوده که نقش بسیار زیادی در بالابردن درآمد سرانه روستائیان داشته و به تبع آن از مهاجرت روستائیان خاصه جوانان می کاهد. چرا که این صنایع به تکنولوژی پایین، سرمایه کم و نیروی کار روستائیان نیازمند است. استقرار صنایع در مناطق روستایی به عنوان یک بخش مولد اقتصادی و گامی اساسی در تعدیل اختلاف درآمد بین مناطق شهری و روستایی است. به طور کلی هدف از ایجاد و توسعه صنایع روستایی، ایجاد تعادل استفاده از منابع موجود، تأمین نیازمندیهای روستائیان، افزایش سطح رفاه جامعه روستایی و جذب نیروهای منفعل روستاها است که به دلیل نابرابریهای موجود ناشی از اقتصاد ضعیف روستایی و در پی کسب فرصتهای شغلی، دست به مهاجرت میزنند.

پیشنهاد ها:

- لزوم ایجاد یک ارتباط و همکاری عملی در سطح گسترده بین موسسات آموزش عالی و صنایع روستایی که بتوانند علاوه بر حفظ فواید مناسب و عادلانه، دستاوردهایی نیز برای کشور به همراه داشته باشند.
- کمک به برقراری ارتباط منسجم و مطلوب بین صنایع بزرگ و متوسط با صنایع روستایی با همراهی دولت که در این ارتباط یک شبکه همکاری و تقویت انگیزه های همکاری برای هر دو طرف ایجاد می شود.
- ایجاد مراکز خدمات مشاوره ای صنعتی برای روستاها که برای هر یک از زیربخش های صنایع روستایی به ارائه خدمات بپردازد.
- تقویت و توسعه نمایشگاه های صنایع روستایی به منظور کمک به بسط و گسترش بازارهای فعلی و نیز کمک به شناسایی و نفوذ در بازارهای جدید و با نوآوری در تسهیلات فعلی.
- باید تأکید بر توسعه آن دسته صنایع روستایی صورت گیرد که از منابع محلی استفاده مناسب تر و بیشتری می کنند، چون صناعی که بخش قابل توجهی از مواد اولیه خود را از محل تامین می کنند، هزینه کمتری در این زمینه می پردازند.
- ایجاد بخش تحقیقات فنی و گسترش شکل های کارگاهی از طریق تعاونی ها و اتحادیه ها (خزاعی قوزدی، ۱۳۷۶: ۴۴).

- وارد کردن موثر و کارآمد فن آوری های پیشرفته و بهره گیری از آنها، که می توان به دو طریق نوآوری و ابتکار از درون و به وسیله توسعه دانش بومی و دیگری نوآوری از برون و انتقال فن آوری خارجی، جستجو کرد (آقاعلی نژاد، ۱۳۷۷: ۴۴).
- با ایجاد و گسترش صنایع روستایی از یک سو با تنوع بخشی به مشاغل روستایی، افزایش درآمد و کاهش مهاجرت به رونق اقتصادی این مناطق کمک نموده و از سوی دیگر در حل مشکلات شهری، کنترل حاشیه نشینی و مشاغل کاذب و غیر رسمی، مدیران شهری را یاری کنیم.

منابع:

- ابوالحسنی، مهران، ضرورت پیوند کشاورزی با صنایع روستایی ویژه نامه اقتصاد روستا، وزارت جهاد سازندگی، بهار ۱۳۷۲، جلد دوم، تهران، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی، ص ۳۸۷.
- اجزاء شکوهی، احمد، نقش صنایع روستایی در توسعه روستا، پایان نامه دانشگاه تربیت مدرس، کارشناسی ارشد ۱۳۶۸، صص ۴۶ و ۴۷.
- اسدی، حسین، (۱۳۶۵)، طرح مطالعاتی روستا و صنایع کوچک، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین و طاهرخانی، مهدوی (۱۳۸۱)، «استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی» مسیر دوره ۶، شماره ۲.
- اکبری، مرتضی، غلام زاده، رضا، آراستی، زهرا (۱۳۹۴)، نیاز سنجی آموزشی جوانان روستایی شهرستان ورامین در زمینه کار آفرینی به منظور راه اندازی کسب و کارهای صنایع دستی روستایی، پژوهش های روستایی، دوره ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، صص ۲۹۹-۳۲۲.
- آقا علی نژاد، علیرضا، ارزیابی اقتصادی فن آوری در صنایع روستایی، مطالعه موردی کارگاه پنیرسازی در شش استان کشور فصلنامه روستا و توسعه شماره ۲، ۱۳۷۷.
- بابایی، علی اکبر؛ خلیلی عراقی، مریم؛ یقین لو، مهرانگیز، مبانی ارتباط صنایع کوچک و بزرگ؛ ماهنامه تدبیر؛ شماره ۱۲۰، ۱۳۸۰.
- بررسی وضع موجود زنان روستایی ایران دفتر تحقیقات و برنامه ریزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، بهار ۱۳۷۲، جلد دوم، تهران، انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی، ص ۳۸۷.
- پاپلی یزدی، محمد حسین؛ ابراهیمی، محمد امیر؛ نظریه های توسعه روستایی؛ نشر سمت، ۱۳۸۱.

- تقدیسی، احمد، (۱۳۸۵)، نقش صنایع کارگاهی در توسعه روستایی شهرستان شهرضا، رساله ی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- جنان صفت، محمدصادق، استقرار صنعت در روستاها ضرورتی اجتناب ناپذیر (۳)، وضعیت کنونی صنعت در روستا، ماهنامه جهاد، سال ۱۱، دی ماه ۶۱، ص ۷.
- حاجی زاده، علی و دیگران؛ بهره وری صنایع روستایی در استان سیستان و بلوچستان؛ مجله جغرافیا و توسعه؛ زاهدان، (۱۳۸۵).
- خالدی، کوهسار؛ شناسایی موانع گسترش صنایع روستایی در استان کردستان؛ نشر سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کردستان؛ سنندج، ۱۳۸۵.
- خزائی قوژدی، علی، صنایع روستایی، تحولات و توسعه، فصلنامه روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهادسازندگی، تابستان و پاییز ۱۳۷۶، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.
- خزاعی، قوژدی، علی، صنایع روستایی، تحولات و توسعه، همان، ص ۴۴.
- دربان آستانه، علیرضا؛ مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی؛ ناشر سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور؛ تهران، ۱۳۸۳.
- دربان آستانه، همان، صص ۵۴-۵۱.
- دستگیر، محسن، بررسی الگوی مناسب صنایع روستایی، مشکلات و مزایا، سمینار استقرار صنعت در روستاها، سال ۶۵، ص ۱۰۴.
- راثو، ار. وی، صنایع کوچک و اقتصاد در حال توسعه هنوستان، کمیته صنایع روستایی، دفتر مرکزی جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۱.
- رضوانی، محمد رضا، اکبرپور سرانسکانرود (۱۳۹۰)، تحلیل اعتبارات صنایع بخش کشاورزی و روستایی، مطالعه موردی: استان آذربایجان، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال اول، شماره ۱، ص ۱۵.
- شهبازی، س. زمینه یابی ایجاد اشتغال در بخش غیر کشاورزی مناطق روستایی، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد سازندگی اصفهان ۱۳۷۹.
- صاحبی، صادق، (۱۳۷۴)، جایگاه بخش صنعت در برنامه ریزی توسعه، صنایع روستایی و نقش آن در توسعه کشور، شماره ۱۷۴، صص ۴۱-۴۶-۲۱۷.

- صنایع روستایی موتور جدید توسعه چین، گزیده مسائل اقتصادی و اجتماعی، شماره ۵۶، سال ۱۳۶۴، ص ۱۹.
- طاهرخانی، مهدی؛ صنعتی شدن روستا سنگ بنای استراتژی توسعه روستایی؛ نشر وزارت کشاورزی ۱۳۷۹.
- قره نژاد، حسن، مقدمه ای بر جغرافیای صنعتی، اصفهان، هشت بهشت، دوم، ۱۳۷۵، ص ۲۲.
- قلی نیا، محمدجواد و عباس، عنایت، زن و روستا، ماهنامه سنبله، شماره ۱۰۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۱۸.
- مافروخی، بایزید، صنایع روستایی ایران، بررسی وضعیت شرایط توسعه اقتصاد کشاورزی و توسعه، پاییز ۱۳۷۲، صص ۳۰ و ۳۱.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن، (۱۳۸۲)، برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی - مشهد.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۵)، بررسی ارزیابی اثرات شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی شهرستان بابل، پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۵۸.
- مهدی، سعید؛ مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران؛ جلد اول: شناخت مسایل جغرافیایی روستاها؛ نشر سمت؛ تهران، ۱۳۸۳.
- میسرا، آرپی، (۱۳۶۶)، توسعه روستایی، مسائل و مشکلات، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱.
- نصیری، اسماعیل (۱۳۸۷). صنایع روستایی، عاملی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی، نمونه تجربی روستاهای شهر بومهن، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۱.
- هودر، راپرت؛ جغرافیای توسعه در جهان و ایران؛ ترجمه فضیله خانی، ناصر جوادی؛ نشر قومس، تهران، (۱۳۸۵).
- وزارت کار و امور اجتماعی (۱۳۵۰)، در خدمت صنایع کوچک: نشریه شماره ۶۴. تهران: مؤسسه کار و تامین اجتماعی.
- وزارت کار و امور اجتماعی (۱۳۵۰)، در خدمت صنایع کوچک: نشریه شماره ۶۴. تهران: مؤسسه کار و تامین اجتماعی.
- وزارت جهاد و سازندگی "بررسی تاریخی صنایع روستایی - چهار دهه اخیر" معاونت طرح و برنامه، ۱۳۷۰.

- Story D.J, 1990, small firms in Regional Economic Development University of New Castle.*
- Meena, S.P.(2007)_ Rural industrialization process, Director Industries, India.*
- Xiaolu wang: contribution of institutional change to china,s rural industrial growth working paper, 1997.*
- Chadha, G, Introduction to Indian rural development. Journal of Agricultural Economics, 36 (3): 286- 295, 1993.*
- Parminter, I, Off farm income: Theory and practice. Technical Paper 97/5, Ministry of Agricultural Wellington, 2000.*
- Nikiforov. L.V,1989. The Development of the Agro – industrial complex in the USSR Macmillan press in association.*
- Berdegue, julioa & Eduardo Ramirez & Thomas Reardon (2010); "Rural NonfarmE mployment and incomes in chile", World Development vol 29, no.3, pp 411-425, 2010.*